



ادله بر اثبات اعجاز قرآن چیست

منظور خداوند از تحدی این نیست که همه افراد حتی نا آشنایان با مبانی ادبی زبان عرب بفهمند که قرآن معجزه است، بلکه اگر کسی با مبانی ادبی زبان عرب و معارف و اخلاقیات آشنا باشد، اعتراف خواهد کرد که قرآن کلام بشری نیست.

منظور خداوند از تحدی این نیست که همه افراد حتی نا آشنایان با مبانی ادبی زبان عرب بفهمند که قرآن معجزه است، بلکه اگر کسی با مبانی ادبی زبان عرب و معارف و اخلاقیات آشنا باشد، اعتراف خواهد کرد که قرآن کلام بشری نیست.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه فارس، در فضای مجازی گاهی با برخی از شبهات دینی روبرو می‌شویم که هدف از طرح آن‌ها جدا از اینکه شاید به چالش کشیدن ابتدایی‌ترین اصول و مبانی باشد، اما این سؤال را در ذهن متبادر می‌کند که وظیفه یک مسلمان در یادگیری مبانی اولیه دین تا چه اندازه‌ای در این امر نقش دارد، یکی از شبهاتی که در فضای مجازی مطرح شده است، درباره معجزه بودن قرآن است، به طوری که درباره تحدی قرآن (هموردی) مطرح شده است: عملاً تا به حال کسی در این مبارزه طلبی شرکت نکرده، پس نمی‌توان تحدی را دلیل اعجاز دانست؟ در این شرایط هر کس بخواهد همانند قرآن سوره‌ای بیاورد؛ محکوم به ارتداد است، پس کسی جرأت نمی‌کند؟ همچنین اگر در بین آیات، دعاها و برخی از احادیث و مطلب عربی را وارد کنیم، جز حافظان قرآن، کسی متوجه نمی‌شود؟

مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه علمیه قم در پاسخ به سه شبهه، چنین می‌گوید: یکی از قوی‌ترین ادله بر اثبات اعجاز قرآن و اینکه از طرف خدا آمده، مسأله تحدی و دعوت خداوند از همه جهانیان و شکاکان برای مقابله با قرآن است، این دعوت قرآن از همان دوران آغاز نزول قرآن تا دوران پایان به گونه‌ها و شیوه‌های مختلفی استمرار داشته است، از این رو گاهی درخواست به آوردن مثل قرآن کرده است.

گاهی پیشنهاد بهره‌گیری از تمام امکانات و نیروهای جن و انس برای این کار کرده، گاه درخواست مقابله با 10 سوره و حتی یک سوره هم تقلیل داده است و کسی توان مقابله را تا به حال نداشته است و این از مسلمات تاریخی به اتفاق تمامی علما، مؤرخان و صاحب‌نظران از دوست و دشمن است، پس قرآن معجزه و کلام الهی است.

*پاسخ شبهه اول/ اعتراف ادبا و فرهیختگان علم و ادب به معجزه بودن قرآن

بنا به تصریح تاریخ، ادبا و سخنوران و فرهیختگان علم و ادب به این تحدی قرآن پاسخ داده‌اند، ولی به عجز و ناتوانی خود و بشر اعتراف کرده‌اند که قرآن کلام بشری نیست، افرادی چون «؛ولید بن مغیره مخزومی» که در میان مشرکین صدر اسلام به امیر سخن معروف بود، وقتی نتوانست با قرآن مقابله کند، گفت: سوگند به خدا! کلامی از محمد شنیدم که نه از قبیل سخن انسان است و نه همچون سخن جن؛ همانا کلام او بسیار شیرین و زیباست... همانا سخن او برتر از دیگر سخنان است و هیچ کلامی بر آن برتری نخواهد جست.

از همین رو بزرگان و فصحای عرب آن عصر مانند «؛عتبه بن ربیع» از بزرگان و مشاهیر سخن قریش، «؛نضر بن حارث کله» از سران و تیزهوشان عرب، شهادت 4 تن از زنداقه به اعجاز قرآن و...چنین ادعای داشتند.

علاوه بر این متفکران و اندیشمندان جهان که با زبان قرآن آشنایی دارند، حتی دانشمندان غربی تصدیق کرده‌اند که قرآن کلام غیر بشری و بی‌نظیر است از جمله «؛جان دیون پورت» نویسنده کتاب «؛عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن» می‌نویسد: «؛همه این معنا را قبول دارند که قرآن با بلیغ‌ترین و فصیح‌ترین لسان به لهجه قبیله قریش که نجیب‌ترین و ادیب‌ترین عرب‌هاست، نازل شده و مملو از درخشنده‌ترین شکل‌ها و محکم‌ترین تشبیهات است».

افراد هم که خواستند، مثل قرآن را بیاورند، ولی برای همیشه در تاریخ حقیر و رسوا شده‌اند و عظمت قرآن با این رسوایی‌ها بیشتر روشن شد از جمله مسیلمه بن کذاب، سجاح بنت الحارث، طلیحه پسر خوید اسدی، اسود انسی، نصر بن حارث، ابن مقفع ابوث کردی صانی و غیره و در دوران معاصر رهبران فرقه‌های گمراهی همچون بابیه، بهائیه، قادیانیه و... که همه ذلیل و درمانده شدند.

حاصل آنکه به شهادت قطعی تاریخ، منکران قرآن و رسالت در مقام مبارزه با قرآن برآمدند، اما هرگز نتوانستند کاری از پیش ببرند.

* پاسخ شبهه دوم/ برای پی بردن به حقانیت عقاید اسلامی، برچسب ارتداد به کسی زده نمی‌شود

با نگاهی به مبانی اعتقادی اسلام این مطلب به خوبی روشن است که باور به اعتقادات بایستی از روی دلیل قانع کننده باشد و هر کسی طبق فهم و درک خود باید اصول دین و اندیشه‌های اعتقادی را بپذیرد و بر همین اساس همه مراجع تقلید در اول رساله توضیح المسائل می‌نویسد: در اصول دین و مبانی اعتقادی تقلید کردن جایز نیست و مسلمان باید به اصول دین یقین داشته باشد.

بنابراین اگر کسی برای پی بردن به حقانیت عقاید اسلامی از جمله کلام الهی بودن قرآن کریم تحقیق کند و بخواهد آیات تحدی را بررسی کند و خود نیز از اهل فن، ادب و آشنا به زبان عربی باشد، چنین فردی نه تنها از سوی علمای دین به ارتداد محکوم نمی‌شود، بلکه وی به وظیفه دینی خود عمل می‌کند و برای یقین به وحیانی بودن قرآن باید امتحان کند و ببیند آیا علم بشری توان آوردن مثل قرآنی را دارد یا نه؟

در این مجال بر عالمان دینی لازم و وظیفه است که به کمک چنین فردی رفته و دلایل روشن شدن مطلب را به او نشان دهند و او با یقین و دلیل قانع کننده به حقانیت قرآن پی برد و ارتداد این نیست که کسی بخواهد در عقاید تحقیق کند، بلکه مرتد کسی است که پس از یقین به اعتقادات اسلامی، بدون دلیل از آن اعراض کند و از اسلام برگردد و کسی که درباره حقانیت این عقاید و از جمله قرآن کریم مطالعه می‌کند، نه تنها قصد برگشتن از اسلام را ندارد، بلکه می‌خواهد با یقین قلبی و علمی، وحیانی بودن قرآن را بپذیرد.

* پاسخ به شبهه سوم/معنای تحدی چیست؟!

منظور خداوند از تحدی این نیست که همه افراد حتی بی‌سوادان و نا آشنایان با مبانی ادبی زبان عرب بفهمند که قرآن معجزه است تا کسی بگوید: اگر دعا را وارد قرآن کنیم، خیلی از این افراد متوجه نمی‌شوند، بلی حتی اگر غیر از دعا‌های اسلامی، حرف‌های نادرست و پر از غلط‌های اعرابی هم در قرآن وارد شود، افراد کم اطلاع علمی متوجه نمی‌شوند و از طرفی مراد این نیست که حافظان قرآن بفهمند.

بلکه تحدی این است که اگر کسی با مبانی ادبی زبان عرب و معارف و اخلاقیات و دلایل عقلی و منطقی آشنایی داشته باشد، اعتراف خواهد کرد که قرآن کلام بشری نیست و غیر خدا قدرت آوردن مثل آنها را ندارد.

چنانچه علمای بزرگ ادب وقتی به کتاب نهج البلاغه می‌رسند، آن بلاغت و یا کتاب معنوی صحیفه سجادیه را می‌نگرند، هیچ وقت اینها را معادل قرآن ندانسته، بلکه آنها را از کلام الهی پایین می‌دانند و این می‌رساند که شبهه سوم در نزد علما و اهل فن و ادب پذیرفتنی نیست.